

Investigating the decline Causes of Farming Joint Stock Companies of Newly formed in Sahlabad Plain- Nehbandan

Mohammad Hajipour¹

Received: 29/9/2021

Accepted: 9/2/2022

Abstract

Before Iran Revolution, the formation of farming joint stock companies had aimed to change the structures of agriculture section. On that time, it failed. In recent two decades, it can be witnessed that resuscitation and creation of F.J.S companies have been brought to attention; one example is the formation of a F.J.S Company in SahlAbad Plain. Study of this F.J.S in SahlAbad, shows a lot of ups and downs in the rural area and this article tries to study the reasons of villagers' tendency to joint stock system, meanwhile it aims to analyze different causes of people's conflicts aiming at this farming system. Studies showed that villagers in SahlAbad Plain cooperated to a great extent to accept F.J.S Company and their objective was to receive more economic benefits from water and soil resources that are under their authority. After more than a decade of the life of F.J.S company in SahlAbad Plain, while there are not any progresses in their objectives, new problems in rural area have become more apparent which are caused by "the low level of company's economic returns", "unprincipled performance of company's board", "addition of outer elements that have effect on company's economic performance and economic life of stockholders", and "no appropriate support by trusted systems". Consequently, change of Small Holding System to farming joint stock system by the above-mentioned reasons not only was not a progressive movement toward development but also it had created some negative atmosphere for rural development in SahlAbad Plain.

Keywords: Rural Development, Agriculture Development, Cooperation, Exploitation system, Farming Joint Stock Company

1. Assitant Professor in geography and rural development, Faculty of literature and humanities, University of Birjand mhajipour@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

واکاوی علل زوال شرکت سهامی زراعی نوبنیاد سهل آباد در شهرستان نهبندان

محمد حجتی پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۷

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

http://www.farhangekhorasan.ir/article_144660.html

چکیده

پیش از انقلاب، تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی با هدف تغییر در ساختارهای بخش کشاورزی انجام شد که در آن زمان به سبب مسائلی همچون عدم توجه به مشارکت و رضایت جامعه روستایی، ناموفق ماند. طی دو دهه اخیر، بازگرایشی به احیا و ایجاد شیوه بهره‌برداری سهامی زراعی در اقصی نقاط کشور می‌توان شاهد بود که نمونه آن، ایجاد شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد شهرستان نهبندان بوده است. مطالعه این شرکت سهامی زراعی جدید در نهبندان، حاکی از افت‌وخیز شدید آن در فضای روستایی ناحیه است که در این پژوهش تلاش شده است تا ضمن بررسی علل گرایش روستاییان به نظام سهامی زراعی در سال ۱۳۸۴، به تحلیل دلایل مقابله و تعارض مردم با این نظام زراعی در سال ۱۳۹۹ پرداخته شود تا تبیینی از علل رکود آن برای کاربرد در سایر نواحی کشور به دست آید. این تحقیق بر مبنای هدف کاربردی است. به منظور گردآوری داده‌ها از روش آمیخته (ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی) استفاده شده است. بررسی‌ها نشان داد روستاییان دشت سهل-آباد، با انگیزه کسب منافع اقتصادی بیشتر از منابع آب و خاک در اختیار، با میزان مشارکت بالا، اقدام به پذیرش نظام سهامی زراعی نموده‌اند؛ با گذشت بیش از یک دهه از عمر شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد، نه تنها توفیقی در اهداف حاصل نشده، بلکه دغدغه‌های جدیدی نیز در فضای روستایی پدیدار شده که بنا به چهار دلیل؛ پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت، عملکرد غیراصولی هیئت‌مدیره شرکت، تشدید عناصر برون‌فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.

حیات اقتصادی سهامداران و عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران بوده است. در کل می‌توان گفت تغییر نظام خرده‌مالکی به سهامی زراعی، به دلایل یادشده، نه تنها حرکتی رو به سوی توسعه نبود؛ بلکه فضایی ضد توسعه روستایی در دشت سهل آباد به وجود آورده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، توسعه کشاورزی، نه‌بندان، نظام بهره‌برداری، شرکت سهامی زراعی.

مقدمه

کشاورزی به‌عنوان یکی از بخش‌های سه‌گانه اقتصاد، به دلایلی نظیر اثرگذاری بر اقتصاد ملی به لحاظ ایجاد شغل، تولید و ارزآوری، در کشورهای در حال توسعه؛ از جمله کشور ما، دارای اهمیت است و از سوی دیگر وسیله معاش میلیون‌ها نفر به شمار می‌آید. در سطح خردتر اثر آن بر اقتصاد نواحی روستایی نیز مترتب است (ياسوری، ۱۳۸۶: ۸). از آن‌جا که نواحی روستایی کانون‌های تمرکز بخش کشاورزی و روستاییان عمده فعالان این عرصه هستند، توسعه بخش کشاورزی و توسعه نواحی روستایی دارای پیوندی ناگسستنی و توأمان است.

فرایند تولید و توسعه بخش کشاورزی دارای موانع و چالش‌های متعددی همچون ناکارآمدی نظام بهره‌برداری کشاورزی است که عدم توجه و یا برخورد غیراصولی با این مسئله، به نوعی در عقب‌ماندگی بخش مذکور مؤثر بوده است (هجرتی و افشاری، ۱۳۸۹: ۱۲۴). پس از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰، تبعات آن؛ یعنی پراکندگی قطعات اراضی، تقطیع شدن و کوچکی اراضی زراعی با روندی رو به رشد، سبب رشد و غلبه نظام خرده‌مالکی در میان بهره‌برداران زراعی روستاها شد (صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۲: ۲۴؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۵۴؛ امامی خویی و ضیایی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۷) که به کاهش روزافزون بهره‌وری عوامل تولید، تولید، ضعف اقتصادی در بخش کشاورزی و مهاجرت‌های روستا-شهری نیز منجر شده است.

با گذشت مدت‌زمان کمی از اجرای اصلاحات ارضی، ضرورت و لزوم حل مسائل یادشده در قالب تغییر نظام بهره‌برداری کشاورزی بروز کرد و تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی با هدف بالابردن

میزان تولیدات کشاورزی و حل مشکلات ناشی از چندپاره‌شدن اراضی مزروعی از طریق یکپارچه‌کردن زمین‌ها و جایگزین کردن واحد روستایی به جای واحد "ده"، مورد توجه قرار گرفت؛ با این نگرش که راهبرد مزبور از جمله راهکارهایی است که در زمره تشکل‌های تعاونی و مکانیزاسیون می‌تواند عملکرد مطلوبی نظیر بهبود در بهره‌وری و تولید کشاورزی و در نهایت توسعه روستایی داشته باشد (Mcnicoll & Cain, 1990: 35).

پس از تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی در پیش از انقلاب، بنا به دلایلی؛ عمدتاً اجتماعی، همچون عدم توجه کافی به مشارکت و رضایت جامعه روستایی در ایجاد این شرکت‌ها، توفیق چندانی نیافتند (وثوقی و فرجی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). از اوایل دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، برخی از کارشناسان و برنامه‌ریزان توسعه در استان خراسان جنوبی، با توجه به اهداف نوسازی توسعه کشاورزی در برنامه‌های پس از انقلاب، باور به ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی منوط به تجدیدنظر در ساختارهای تشکیلاتی داشته‌اند و شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد در شهرستان نهبندان، اولین نمونه‌ای است که بر مبنای این اندیشه در کل کشور از سال ۱۳۸۴ ایجاد شده است. نکته قابل توجه این است که با گذشت کمتر از دو دهه از عمر این شرکت سهامی زراعی، تعارضات و مخالفت‌های عینی و عملی از سوی سهامداران علیه شرکت شکل گرفته است. این در حالی است که از جدی‌ترین موانع توسعه در بخش کشاورزی کشور و به ویژه استان خراسان جنوبی، خرده مالکی شدید حاکم در فضاهای روستایی است (مجیدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱؛ زنگنه، ۱۳۹۲: ۲). برای عبور از این مانع، از جمله راهکارهای اثربخش، گرایش کشاورزی تجاری و یکپارچه‌سازی اراضی است که در قالب نظام‌هایی همچون سهامی زراعی صورت می‌گیرد.

بر این اساس شواهد موجود، حاکی از تعدد یافتن شرکت‌های سهامی زراعی نوبنیاد در قلمرو جغرافیایی استان خراسان جنوبی (نظیر ایثارگران بیرجند، خوشاب سربیشه و خوسف) و دیگر مناطق کشور است؛ با توجه به کارکرد حیاتی نظام‌های سهامی زراعی در توسعه بخش کشاورزی در استان، چرا باید همچون گذشته (سال‌های پیش از انقلاب) شاهد رو به افول نهادن این شیوه بهره‌برداری تجاری در منطقه بود؟ به منظور کمک به توسعه این نهضت و جلوگیری از تجربه شکستی که قبل از انقلاب سابقه دارد، در این تحقیق تلاش شد ابتدا به بررسی و تبیین علل و چگونگی رکود شرکت سهامی زراعی در جامعه روستایی دشت سهل‌آباد شهرستان نهبندان

پرداخته شود. به این منظور، دو هدف در تحقیق دنبال شده است: اول، بررسی علل گرایش و مشارکت روستاییان دشت سهل آباد در تشکیل شرکت سهامی زراعی سهل آباد و دوم، تحلیل دلایل رکود نظام سهامی زراعی پس از گذشت کمتر از دو دهه در محدوده دشت سهل آباد. اهداف یاد شده در پی پاسخ به سؤالات زیر بوده است:

۱. انگیزه اولیه یا دلایل همراهی مردم محلی در ابتدای شکل‌گیری شرکت سهامی زراعی سهل آباد چه بوده است؟

۲. تمایل به انصراف و نارضایتی مردم محلی از ادامه فعالیت شرکت سهامی زراعی پس از گذشت کمتر از دو دهه سابقه در سهل آباد را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

مبانی نظری

با توجه به سابقه فعالیت نظام بهره‌برداری سهامی زراعی در کانون‌های روستایی کشور، مطالعات عدیده‌ای وجود دارد که در گذشته به بررسی ابعاد مختلف این نظام پرداخته است. از جمله تحقیقات قدیمی مربوط به شرکت‌های سهامی زراعی می‌توان به مطالعه دنمن^۱ (۱۹۷۳)، دشتی (۱۳۴۹)، نیک‌خلق (۱۳۵۰)، عبداللهی (۱۳۷۷)، لی‌ون^۲ (۱۳۸۱) و ساریخانی (۱۳۸۴) اشاره کرد. احیا و رشد شرکت‌های سهامی زراعی کشور از اوایل دهه ۱۳۸۰ خورشیدی منجر به کثرت مطالعات مرتبط با این حوزه، طی دهه ۱۳۹۰ خورشیدی شد که در ادامه به اهم آن اشاره شده است.

حجی‌پور (۱۳۹۰) در مطالعه خود تحت عنوان «بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی»، دریافت که انگیزه اقتصادی، مؤثرترین عامل در جهت پذیرش نظام سهامی زراعی از سوی مردم بوده است و میزان مشارکت روستاییان در تشکیل این شرکت، در سطح دشت سهل آباد زیاد و مشارکت سهامداران در فعالیت‌های کنونی شرکت متوسط بوده است. همچنین شاخص هزینه تولید محصولات زراعی در هکتار، نسبت به گذشته کاهش داشته است؛ از طرف دیگر، در زمینه درآمد خانوارها ناشی از تولید در بخش زراعی، پس‌انداز، تولید سرمایه،

1. Denman
2. Li Wen

سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرزراعی، بهبود سبد غذایی و دسترسی به امکانات رفاهی در سطح خانوار، به دلایلی همچون عدم توزیع یکنواخت سهام در میان سهام‌داران و عدم استفاده از تمامی ظرفیت‌های تولیدی توسط شرکت، افزایش معناداری مشاهده نشده است.

فال سلیمان و حجی پور (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل نقش جامعه روستایی در شرکت‌های سهامی زراعی جدید با بهره‌گیری از شاخص‌های مشارکتی RPPI و FSPI» استدلال کردند که میزان مشارکت جامعه روستایی بر حسب شاخص RPPI- که معرف میزان مشارکت افراد ناحیه در تشکیل شرکت سهامی زراعی است- زیاد بوده و همچنین میزان مشارکت سهام‌داران شرکت بر حسب شاخص FSPI- که معرف مشارکت سهام‌داران در فعالیت‌های شرکت سهامی زراعی طی یکسال است- در سطح متوسطی قرار داشته است. درنهایت نیز گفته شده است بهره‌برداران زراعی دشت سهل‌آباد در تشکیل و تداوم فعالیت این شرکت نقش اساسی داشته‌اند. حجی پور و فال سلیمان (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی عوامل اثرگذار بر دگرش نظام‌های بهره‌برداری زراعی» به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون آینده‌نگری، مشارکت-پذیری و جمع‌گرایی و امید به آینده، دارای بیشترین تأثیر مثبت در تشکیل یک شرکت سهامی زراعی است. همچنین مؤلفه‌های کلی الگوی اثرگذاری بر پذیرش و تشکیل یک شرکت سهامی زراعی؛ شامل "پتانسیل اجتماعی"، "وضعیت اقتصادی تولید و توسعه" و "شاخصه‌های فرهنگی" است.

رضازاده (۱۳۹۳) پس از «بررسی اثرات امنیتی- اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی بر سکونتگاه‌های روستایی نواحی مرزی دشت خوشاب سربیشه» ادعان داشته است که شرکت سهامی زراعی دشت خوشاب، اگرچه باعث افزایش شاخص‌های امنیتی شده؛ اما تأثیر چندانی بر ارتقای شاخص‌های اجتماعی نداشته است.

ناصری و دیگران (۱۳۹۴) پس از بررسی «نقش شرکت‌های سهامی زراعی در بهبود شاخص‌های توانمندسازی کشاورزان عضو» ادعان داشته‌اند که شرکت‌های سهامی زراعی، به ترتیب در زمینه توانمندی فنی و حرفه‌ای، توانمندی اجتماعی و روانی و توانمندی اقتصادی کشاورزان در حد متوسط و متوسط به بالا عمل کرده و در بهبود شاخص‌های توانمندسازی کشاورزان نقش مؤثری داشته‌اند. همچنین نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین نگرش کشاورزان و رضایت

آنان از شرکت، مورد مشورت قرار گرفتن، آگاهی از شرکت، سابقه کار کشاورزی و میزان توانمندی آنها وجود دارد.

مرام، زرافشانی و میرک‌زاده (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان «بررسی نگرش کشاورزان نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی» به این نتیجه رسیدند که پنج مقوله؛ عدم آگاهی اعضا از اهداف شرکت، عدم وجود روابط اجتماعی مناسب مدیران با سهامداران، عدم مشارکت سهامداران، عدم وجود بستر مناسب اجتماعی و ضعف در زمینه‌های قانونی، در شکل‌گیری نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی تأثیرگذارند؛ همچنین دو مقوله جدید؛ تجربه‌های تلخ گذشته و نارضایتی کشاورزان از عملکرد برخی سازمان‌های دولتی بعد از انقلاب آشکار شد. از سوی دیگر، مقوله‌هایی همچون نبود تکلیف مالکیت سهام در بین وارث پس از فوت رئیس خانوار، محو تدریجی تجارب و دانش بومی سهامداران در مدیریت مزرعه، بی‌اعتبار شدن تدریجی بنیان‌های ارتباطی مردم روستا و مهاجرت کشاورزان به شهرها، می‌تواند در نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی بسیار تأثیرگذار باشد.

بخشی و دیگران (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رضایت سهامداران از عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی» دریافتند که رضایتمندی اعضای شرکت‌های سهامی زراعی مورد مطالعه از عملکرد این شرکت‌ها در حد متوسط به بالا بوده است. بین متغیرهای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، نحوه رفتار و برخورد پرسنل، انتصاب افراد شایسته و لایق، تنوع محصولات تولیدی و سطح رضایتمندی سهامداران، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته است. همچنین بر پایه تحلیل رگرسیون انجام‌شده، متغیرهای سواد، مقدار سود سهام، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و انتصاب افراد شایسته و لایق، ۸۳٪ تغییراتی را که در سطح رضایتمندی سهامداران به وجود می‌آید، تبیین می‌کند.

نکویی نائینی، قنبری و برقی (۱۳۹۵) پس از «سنجش پایداری نظام‌های بهره‌برداری موجود در بخش کشاورزی استان اصفهان با تأکید بر خرده‌دهقانی، تعاونی تولید روستایی و شرکت سهامی زراعی» دریافتند که نظام‌های بهره‌برداری سهامی زراعی و تعاونی تولید روستایی نیمه-پایدار و خرده‌دهقانی، ناپایدار هستند. از لحاظ بُعد اقتصادی، شرکت سهامی زراعی نسبت به دو نظام دیگر پایدارتر و از لحاظ بُعد اجتماعی ناپایدارتر است. از بُعد اجتماعی، تعاونی تولید روستایی

نسبت به دو نظام دیگر پایدارتر و از نظر زیست‌محیطی نسبت به شرکت سهامی زراعی ناپایدارتر است. نظام بهره‌برداری خرده‌دهقانی از نظر این سه بُعد، بویژه اقتصادی، از دو نظام بهره‌برداری دیگر ناپایدارتر است.

یزدانی مروی لنگری (۱۳۹۸) با مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با تأکید بر عملکرد شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد تربت‌جام» دریافت که در بُعد اجتماعی- فرهنگی، شاخص افزایش دانش کشاورزان و در بُعد اقتصادی- معیشتی شاخص هزینه مصرف آب، نسبت به سایر شاخص‌ها افزایش معناداری داشته است. به‌طور کلی نیز اثرات یکپارچه‌سازی اراضی در قالب شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد تربت‌جام در حد متوسط تا مطلوب ارزیابی شده است؛ بنابراین شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی سهامداران تأثیر مثبتی داشته است؛ اما با گذشت ۵۰ سال از عمر شرکت، اکنون پایین‌رفتن سطح آب‌های زیرزمینی، عدم وجود صنایع مکمل در زنجیره تولیدی، افزایش اعضای اولیه از ۲۷۶ نفر به حدود ۲۰۰۰ نفر به‌عنوان عوایدگیر، عدم رضایت سهامداران از هیئت‌مدیره شرکت سهامی زراعی، مهم‌ترین مسائل شرکت از دیدگاه مدیران و سهامداران است. فاضلی (۱۳۹۹) پس از انجام مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی اثرات تشکیل و انحلال شرکت‌های سهامی زراعی بر توسعه پایدار روستایی در رودپیش فومن» استدلال کرد که شرکت‌های سهامی زراعی و توسعه پایدار روستایی، دارای ارتباط معناداری است.

یزدانی (۱۳۹۹) با تحقیقی در زمینه «موردکاوی تطبیقی مدیریت زنجیره عرضه کارآفرینانه بین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی در استان خراسان شمالی» به این نتیجه رسید که مؤلفه‌های مدیریت شبکه اجتماعی و مدیریت منابع مالی، برای سرمایه‌گذاری، بالاترین رتبه و مؤلفه‌های مدیریت بازاریابی و فروش و مدیریت نوآوری و جذب فناوری، پایین‌ترین رتبه را دارد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که رابطه معنی‌دار مثبتی بین تمام مؤلفه‌های زنجیره عرضه کارآفرینانه شرکت‌های مورد مطالعه وجود دارد. در این میان، بیشترین همبستگی در بین شرکت‌های تعاونی، میان مؤلفه‌های مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری و مدیریت فروش و بازاریابی و در بین شرکت‌های سهامی زراعی، بین مؤلفه‌های مدیریت توزیع و مدیریت تولید وجود دارد. همچنین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی نسبت به شرکت‌های

سهامی زراعی در اجرای مؤلفه‌های مدیریت تأمین، مدیریت تولید و مدیریت بازاریابی و فروش، از عملکرد بهتری برخوردار بوده است.

داوری ترشیزی، قربانی و دانشور کاخکی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر نظریه‌های مکان‌یابی، سرمایه اجتماعی و انسانی بر تداوم فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی» دریافتند که سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی در شرکت سهامی زراعی خضری قائنات از سطح متوسط به بالایی برخوردار است. همچنین سرمایه اجتماعی از نظر پاسخ‌دهندگان بیشترین تأثیر را بر تداوم فعالیت این شرکت داشته است و پس از آن، مکان‌یابی و سرمایه انسانی در رده‌های بعدی تأثیرگذاری قرار می‌گیرند. بعد ارتباطی در سرمایه اجتماعی، عوامل زیربنایی در سیستم مکان‌یابی و توانمندی‌های غیرشناختی در سرمایه انسانی، اثرگذارترین مؤلفه‌ها بر تداوم فعالیت شرکت سهامی زراعی خضری شناخته شده است.

مفهوم توسعه در روند و اهداف برنامه‌ریزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را هدف غایی تمام برنامه‌های مرتبط با انسان یا راه دست‌یابی به ایدئال‌ترین شرایط در جنبه‌های گوناگون زندگی او در مقاطع مختلف زمانی دانست (UNFPA, 2002: 31). توسعه، جریانی چندبُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، تغییر در عادات و رسوم و عقاید مردم و نیز تسریع در رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (Lehmann, 1979: 32؛ تودارو، ۱۳۶۷: ۱۳۶). به بیان دیگر، توسعه فرایندی جامع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به شمار می‌آید که هدفش بهبود مداوم زندگی تمام جمعیت است و فعالیت، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع عادلانه منافع، از ارکان اساسی آن محسوب می‌شود (Atfield & Wilkins, 1992: 3).

بنا به دلایلی، همچون استقرار بخش قابل توجهی از جمعیت هر کشور در روستاها، صورت گرفتن غالب فعالیت‌های تولیدی بخش کشاورزی در این مکان‌ها، اثرگذاری مستقیم بر امنیت غذایی و عقب‌ماندگی به لحاظ برخورداری از امکانات رفاهی و یا به عبارتی سطح نازل توسعه‌یافتگی‌شان نسبت به کانون‌های شهری، ضرورت و لزوم توجه ویژه به بهبود شرایط زندگی روستاییان یا همان توسعه فضاهای روستایی ایجاب می‌شود.

توسعه روستایی را می‌توان فرایندی چندبُعدی دانست که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی^۱ اجتماعات روستایی است. فرایندی که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی، برداشتن موانع ساختاری و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و عینی روستاییان، تلاش می‌کند تا در آن‌ها قدرت و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه آن بتواند به توزیع عادلانه و گسترده‌تر منافع و بهبود شرایط زندگی دست یابد. تغییرات مفهومی توسعه روستایی هم، مانند تغییرات مفهوم توسعه از تأکید بر رشد اقتصادی صرف، به توسعه همه‌جانبه روستایی رسیده است (Hart, 1999: 78؛ سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). به بیان کلی آن را می‌توان پروسه‌ای در جهت دستیابی به آرزوهای آتی ساکنان روستاها دانست (Elands & Wiersum, 2001: 5).

کشاورزی به‌عنوان موتور توسعه روستایی، دارای جایگاه ویژه‌ای است که در کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده، این اهمیت دوچندان است (Anríquez & Staumolis, 2007). به‌طور کلی مسائل مربوط به کشاورزی و روستا با هم مرتبط هستند و به دلیل نزدیکی، نقش و اهمیت کشاورزی در فعالیت‌های مربوط به توسعه روستایی، در بسیاری از نوشته‌ها، مفاهیم توسعه کشاورزی و توسعه روستایی، به صورت مترادف به کار گرفته شده‌اند (تقدیسی و بسحاق، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

امروزه مفاهیمی مانند توانمندسازی، یکپارچگی و مشارکت (در بسیاری از زمینه‌ها) در عرصه خط مشی توسعه کشاورزی و متعاقب آن در توسعه روستایی، از جمله راهبردها و شعارهای اساسی هستند (Northouse, 2001)؛ به‌طوری که افرادی چون وانسون بر این اعتقاد هستند که زمانی که کشاورزان در تمام مراحل یک برنامه، از طراحی تا اجرا مشارکت کنند، بهترین نتیجه حاصل می‌شود؛ به‌عبارت دیگر برای حرکت به سمت توسعه کشاورزی، به اقدام هماهنگ و مشترک گروه‌ها و اجتماعات در سطح محلی نیاز است (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۰). شاتزو مشارکت را عبارت از درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک سری مکانیزم رسمی و غیررسمی می‌داند (Schatzow, 1977: 141). آلن بیرو^۲، مشارکت را به معنای سهمی در

1. Community - Based
2. Alen Biro

چیزی یافتن و از آن سودبردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن تعریف کرده است. به اعتقاد محسنی تبریزی، مشارکت فرایندی است که توسط آن مردم می‌توانند خود را سازمان دهند و از طریق آن در فعالیت‌های توسعه محلی، توان اظهار نظر یابند و به عبارتی مشارکت شامل فعالیت اداری و داوطلبانه است که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (وثوقی و فرجی، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۴).

تحقق مشارکت مردمی در صورت فراهم‌شدن دو شرط اساسی تحت عنوان شرایط بیرونی و درونی خواهد بود. شرایط بیرونی نظیر در دسترس بودن زمان و عدم فوریت، احساس امنیت، تدارک مجاری ارتباطی مشارکت و شرایط درونی نظیر احساس اقتصادی بودن (کمتر بودن هزینه‌ها نسبت به منافع)، داشتن قابلیت‌های شخصی از قبیل هوشیاری و واقع‌بینی در امر مشارکت، خودباوری در رابطه با مطلوبیت مشارکت، احساس ارتباط بین مشارکت و الگوهای زندگی شخصی افراد و ارتباط متقابل جهت تبادل ایده‌ها در امر مشارکت و احساس همکاری در این زمینه است (گنجی، ۱۳۸۲: ۶۴). به‌طور کلی عامل انگیزه را می‌توان در زمینه برانگیختن مشارکت و تداوم آن مؤثر دانست (توسلی، ۱۳۸۷: ۳۹۳).

پذیرش نظام سهامی زراعی، نوعی تحول اساسی در زمینه حیات اقتصادی روستاییان به شمار می‌آید و تحول در هر پدیده‌ای مستلزم وجود زیرساخت‌ها و عوامل تحول‌زا از یک طرف و انگیزه برای ایجاد تغییر در درون از طرف دیگر است (آمار و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). اصطلاح انگیزش، نخستین بار از واژه لاتین *movere* که به معنی حرکت است، گرفته شد. انگیزه را چرایی رفتار می‌گویند؛ به عبارت دیگر هیچ رفتاری را فرد انجام نمی‌دهد که انگیزه‌ای یا نیازی محرک آن نباشد. انگیزش انسان اعم از خودآگاه یا ناخودآگاه، ناشی از نیازهای اوست؛ بنابراین در تعریف انگیزه می‌توان گفت: انگیزه یا نیاز عبارت است از حالتی درونی و کمبود یا محرومیتی که انسان را به انجام یک سری فعالیت وامی‌دارد. انگیزش، یک فرایند زنجیره‌ای است که با احساس نیاز یا احساس کمبود و محرومیت شروع می‌شود، سپس خواست را به دنبال می‌آورد و موجب تنش و کنش به سوی هدفی می‌شود که محصول آن، رفتار نیل به هدف است. توالی این فرایند ممکن است منجر به ارضای نیاز شود؛ بنابراین انگیزه‌ها موجب تشویق و تحریک فرد به انجام یک کار

یا رفتار می‌شوند؛ درحالی‌که انگیزش، یک خواست کلی را منعکس می‌کند. در تمام تحقیقات انگیزش، هنوز جایگاه تنبیه و تشویق به‌عنوان انگیزه‌های بسیار قوی مطرح است و در این رابطه پول به‌عنوان ابزاری برای اعطای پاداش مطرح بوده است؛ اما تنها عامل انگیزشی نیست (سیدجوادین، ۱۳۸۶: ۴۵۵-۴۵۶).

ضعف نظام بهره‌برداری غالب (خرده‌مالکی) به سبب ساختار و عملکرد نامناسب آن به منظور ارضای نیازهای خانوار روستایی، انگیزه‌ای را در زمینه تحول و تغییر این شرایط ایجاد می‌کند. نظام بهره‌برداری، مجموعه‌ای از نیروهای تولید (فن و روش‌های تولید، منابع تولید، ابزار و نیروی کار) و روابط اجتماعی تولید محسوب می‌شود (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۵۴). در تعریفی دیگر از نظام بهره‌برداری آمده است: آن رویه‌های حقوقی و عرفی در فراهم‌آوردن و تلفیق عوامل تولید؛ یعنی تکنولوژی، سازمان کار و مناسبات اجتماعی معینی به منظور تولید یک یا چند فراورده و عرضه آن‌هاست. تلفیق عوامل یادشده با درجات متفاوتی صورت می‌گیرد که سبب تشکیل نوع خاصی از نظام بهره‌برداری با مقیاس خاص خود می‌شوند (صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۲: ۳۰).

نظام بهره‌برداری دهقانی با ویژگی‌های جدید، به‌عنوان نظام غالب کشور پا به عرصه گذاشت. وجود مشکلات اقتصادی و مالی بهره‌برداران مستقل و متعدد در هر روستا و اتخاذ تصمیمات متنوع بر مبنای سلیق شخصی در زمینه استفاده از منابع، منجر به تصویب قانون تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۶، به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های رفع مشکلات مذکور، شد. هدف اصلی از تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی را می‌توان در افزایش درآمد سرانه کشاورزان خلاصه کرد و اهداف فرعی زیر نیز در جهت حصول به هدف اصلی مورد توجه قرار داده شد:

ایجاد امکانات همه‌جانبه برای به‌کاربردن ماشین‌آلات کشاورزی؛ آشنایی زارعان با اصول و شیوه‌های پیشرفته کشاورزی، دامداری و دامپروری؛ افزایش میزان سطح زیرکشت کشور با استفاده از اراضی بایر، موات و مسلوب‌المنفعه؛ ترویج و توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی و به‌خصوص صنایع دستی روستایی؛ حداکثر استفاده از نیروی اضافی انسانی موجود در روستاها؛ جلوگیری از خردشدن و تقسیم اراضی مزروعی به قطعات کوچک و غیراقتصادی (صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۲: ۳۱-۳۲).

عمده تحقیقات صورت گرفته راجع به شرکت‌های سهامی زراعی، مربوط به چند دهه گذشته است و همچنین بیشتر تأکیدشان بر اثرات تشکیل این شرکت‌ها در ابعاد اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی بوده است و تحقیق قابل توجهی در باب عوامل انگیزشی مؤثر بر پذیرش شرکت‌های سهامی زراعی نمی‌توان یافت؛ البته به نظر می‌رسد این وضعیت به سبب اجبار و اصراری که از سوی دولت در پیش از انقلاب، به منظور برپایی این شرکت‌ها اعمال شده، بوده است.

روش تحقیق

این تحقیق بر مبنای هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات در دو بخش مطالعات اسنادی و پیمایشی، گردآوری و برای تحلیل داده‌ها، از روشی ترکیبی (آمیخته) استفاده شده است. پژوهش‌های آمیخته، پژوهش‌هایی هستند که با استفاده از ترکیب دو مجموعه روش‌های تحقیق کمی و کیفی به انجام می‌رسند. این روش تحقیق، زمانی به کار می‌رود که هدف تحقیق آن باشد که پژوهشگر پدیده‌ای را تبیین کند؛ درحقیقت ابتدا داده‌های کمی، گردآوری و سپس با داده‌های کیفی ابعاد مختلف پدیده مورد نظر به تفصیل آشکار می‌شود. همچنین پژوهشگر بر مبنای یافته‌ای حاصل از داده‌های کیفی، می‌کوشد داده‌های کمی را گردآوری کند تا داده‌های حاصل از روش آمیخته تعمیم‌پذیر شوند (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۲۲۴-۲۲۲؛ بازرگان هرندی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

در این تحقیق، ابتدا به منظور بررسی و تحلیل انگیزه و هدف روستاییان از تشکیل شرکت سهامی زراعی، از تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که به صورت نظرسنجی در قالب طیف لیکرت طراحی شده است. روایی آن (روایی محتوایی) به کمک قضاوت افراد خبره در زمینه برنامه‌ریزی روستایی، توسعه روستایی و مهندسی کشاورزی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. همچنین پایایی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده است؛ به‌گونه‌ای که آلفای به‌دست‌آمده برای گویه‌های اقتصادی ۰/۹۳۱، گویه‌های اجتماعی - فرهنگی ۰/۹۱۱، گویه‌های فنی ۰/۸۹۴ و گویه‌های روان‌شناختی ۰/۹۱۳ بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کمی (پرسشنامه‌ها) با کمک نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه^۱ انجام شده

است. پس از آن، به منظور شناخت دلایل افول کارآیی و کارآمدی شرکت نزد جامعه روستایی عضو، به انجام مطالعه کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با سهامداران شرکت پرداخته شده و برای تحلیل اطلاعات این بخش نیز از روش تحلیل موضوعی به شیوه "دپوی و گیلتین" استفاده شده است. حجم جامعه تحقیق ۲۰۲ سهامدار شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد بوده است که در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۳۰ سهامدار تعیین و با روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع تصادفی انتخاب شده‌اند و مورد پرسش‌گری قرار گرفته‌اند. همچنین حجم نمونه در بخش مطالعه کیفی ۳۲ سهامدار بوده است که اشباع نظری ایجاد نموده و با روش گلوله برفی انتخاب شده‌اند.

شیوه دپوی و گیلتین: از تحلیل موضوعی، نسخه‌های متعددی وجود دارد. دپوی و گیلتین (۲۰۰۵) نسخه‌ای طبیعت‌گرا از تحلیل تماتیک ارائه داده‌اند. این نوع رهیافت که خاص مطالعات میدانی است، شامل دو مرحله است: مرحله اول که خود شامل چهار زیرمرحله است و البته می‌تواند و ممکن است به‌طور همزمان نیز صورت گیرد که عبارت‌اند از: ۱. درگیری در تفکر قیاسی-استقرایی به‌طور همزمان، ۲. ساخت و تدوین مقوله‌ها، ۳. گروه‌بندی مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع و ۴. کشف معانی و تم‌های زیرین. مرحله دوم نیز به آماده‌کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۸).

شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد (۱۳۹۰) در بخش شوسف از توابع شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی واقع شده است. فاصله آن تا شهر سربیشه ۵۰ کیلومتر و تا شهر نهبندان ۸۵ کیلومتر است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۳۸۸). در اراضی کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی سهل‌آباد، فیروزآباد و چاه شهید جان‌میرزا که بیش از ۱۶۰۰ هکتار است، ۱۱۷۹ هکتار آن تحت اختیار شرکت سهامی قرار دارد. منابع آب در دسترس شرکت، مجموعاً مشتمل بر ۱۵ حلقه چاه و رشته قنات است.

طبق طبقه‌بندی دمارتن، اقلیم منطقه خشک و بر اساس طبقه‌بندی آمبرژه خشک و سرد است. از مهم‌ترین چالش‌های اقلیمی این منطقه، وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان در موسم زراعی است که غالباً همراه با گرد و خاک است. به لحاظ ظرفیت منابع آب و خاک، مطالعات نشان داده میزان تخلیه آب از سفره‌های آب زیرزمینی ۲۱/۱۱۹ میلیون متر مکعب در سال و هم چنین

میزان برگشت آب به منابع زیرزمینی، ۲/۱ میلیون متر مکعب است (مهندسی مشاور ویسان، ۱۳۸۶).

یافته‌های تحقیق

نخست؛ انگیزه پذیرش نظام سهامی زراعی

به لحاظ جمعیت‌شناختی، ۱۲۱ نفر (۹۳٪) از کل سهامداران شرکت سهامی زراعی سهل آباد مرد و ۹ نفر (۷٪) زن بوده‌اند. بعد خانوار سهامداران شرکت، ۷ نفر و میانگین سنی سهامداران شرکت سهامی زراعی ۴۸ سال بوده است. تعداد ۵۵ نفر (۴۲٪) از سهامداران بی‌سواد و ۷۵ نفر (۵۸٪) از آنان باسواد بوده و در میان افراد باسواد، بیشترین فراوانی متعلق به تحصیلات ابتدایی با ۴۸ نفر (۶۴٪) بوده است. پیش از تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد، ۴۹٪ از کل سهامداران اولویت اول اشتغال آنان کشاورزی و پس از آن فعالیت دامداری با ۲۸٪ بوده است. دلایل پذیرش نظام سهامی زراعی و گذر از نظام خرده‌مالکی (در سال ۱۳۸۴) از سوی جامعه روستایی دشت سهل آباد در چهار بُعد "اقتصادی"، "اجتماعی- فرهنگی"، "روان‌شناختی" و "فنی" بررسی شده است. در بُعد اقتصادی، انگیزه‌هایی همچون "افزایش درآمد از بخش کشاورزی (زراعت)" و "افزایش سوددهی (بهره‌وری) آب و خاک" دارای بیشترین نقش بوده که به نوعی مبین عدم کارایی اقتصادی نظام خرده‌مالکی، پیش از پذیرش و ایجاد شرکت سهامی زراعی است. همچنین انگیزه‌هایی نظیر "کاهش افتن هزینه‌های تولید زراعی" و "کاهش مدت‌زمان فعالیت خانوار برای تولیدات کشاورزی"، دارای کمترین نقش در بین بُعد اقتصادی انگیزه‌های پذیرش شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد بوده است. دلیل میانگین پایین این پارامترها نسبت به سایر گزینه‌ها در میان متغیرهای اقتصادی، مربوط به کم‌بودن اطلاعات تکمیلی در زمینه نحوه عملکرد این شرکت‌ها از سوی برخی سهامداران بوده است (جدول ۱).

جدول ۱) متغیرهای اقتصادی مؤثر بر پذیرش نظام سهامی زراعی در دشت سهل آباد

ردیف	گویه	میانگین رتبه‌ها
۱	افزایش درآمد کشاورزی	۴/۲۴
۲	افزایش سوددهی زمین، آب و دیگر سرمایه‌های مرتبط با کشاورزی	۴/۱۸
۳	افزایش میزان محصول تولیدی	۴/۱۷
۴	استفاده بیشتر از تسهیلات بانکی	۴/۱
۵	افزایش پس‌انداز سالیانه	۴/۰۶
۶	کاهش زمان فعالیت شغل اصلی و پرداختن به شغل دوم	۴/۰۵
۷	افزایش زمین‌های زراعی	۴/۰۴
۸	کاهش یافتن هزینه‌های تولید	۳/۹۵
۹	کاهش مدت زمان فعالیت خانوار در بخش کشاورزی	۳/۹۴
	میانگین عامل اقتصادی	۴/۰۸

در بُعد اجتماعی- فرهنگی، به ترتیب انگیزه و اهدافی مانند "کاهش مهاجرت به خارج از روستا به منظور کسب درآمد و اشتغال"، "توصیه و تشویق فرزندان خانواده به همراه رسانه‌های جمعی"، "توصیه و تشویق اقوام ساکن در شهر"، "توصیه و تشویق افراد تحصیل کرده روستا"، "توصیه و تشویق سایر اهالی روستا"، "افزایش منزلت اجتماعی" و "دسترسی به امکانات رفاهی" در پذیرش نظام سهامی زراعی نقش داشته است (جدول ۲). در مجموع نیز، در بُعد اجتماعی- فرهنگی، انگیزه‌هایی که تابعی از شرایط اقتصادی است، دارای اثر بیشتری در میان سایر انگیزه‌ها بوده است. پس از آن، اهدافی که به نوعی مبین راهنمایی‌های سایر افراد جامعه هستند، اثرگذار بوده که این خود بازگوکننده وجود بستر مناسب در جامعه روستایی مورد مطالعه به منظور فعالیت‌های ترویجی- توسعه‌ای است و همچنین به نقش کلیدی مروجان خودخواسته‌ای مانند اقوام و اطرافیان تحصیل کرده و مهم‌تر از همه، رسانه‌های جمعی اشاره دارد.

جدول ۲) متغیرهای اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر پذیرش تشکیل

شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

ردیف	گویه	میانگین رتبه‌ها
۱	کاهش مهاجرت به خارج از روستا	۱/۷۳
۲	توصیه و تشویق فرزندان خانواده	۱/۶۵
۳	رسانه‌های جمعی	۱/۶۵
۴	توصیه و تشویق اقوام ساکن در شهر	۱/۶۳
۵	توصیه و تشویق افراد تحصیل کرده روستا	۱/۶۲
۶	توصیه و تشویق دیگر اهالی	۱/۶۱
۷	افزایش منزلت اجتماعی	۱/۶
۸	دسترسی به امکانات رفاهی بیشتر	۱/۵۹
۹	همکاری بیشتر با دیگر اهالی برای تولید	۱/۵۷
۱۰	ایجاد شغل خوب برای فرزندان در شرکت	۱/۵۷
۱۱	کمتر دخالت دادن فرزندان در کار کشاورزی	۱/۵
۱۲	معذوریت اجتماعی	۱/۴۳
۱۳	اجبار و اصرار از سوی دولت توسط جهاد کشاورزی	۱/۳۵
	میانگین عامل اجتماعی- فرهنگی	۱/۵۸

یکی دیگر از ابعاد انگیزشی پذیرش نظام سهامی زراعی در دشت سهل آباد، "بعد روان‌شناختی" بوده است که مطالعه صورت گرفته نشان داد (جدول ۳) انگیزه "انجام فعالیت با نظارت و وابستگی به دولت" با بالاترین میزان اهمیت نسبت به سایر گویه‌های بعد روان‌شناختی، مبین این واقعیت است که جامعه روستایی ما به لحاظ روان‌شناختی، در فعالیتهای اقتصادی خود، تمایل به اتکای به دولت دارد؛ یعنی برعکس آنچه که در شهرها از آن به خصوصی‌سازی یاد می‌شود. با توجه به اینکه فعالیتهای زراعی و کشاورزی عمدتاً بیشتر از آن میزان درآمدی که عاید کشاورز می‌سازد، فعالیت فیزیکی و مشغله فکری به همراه دارد، "تلاش برای کاهش مشغله‌های فکری" در مراتب بعدی انگیزه برای پیوستن به شرکت سهامی زراعی بوده است. "حس رقابت‌طلبی و عقب‌نماندن از دیگران، در پیوستن به شرکت سهامی زراعی" دارای کمترین نقش و اثرگذاری در پذیرش نظام

سهامی زراعی در دشت سهل آباد بین سایر گویه‌های بُعد روان‌شناختی بوده است؛ چرا که یکی از ویژگی‌های جامعه روستایی کشور بر عکس شهرها، عدم رقابت با سایر خانوارها در زندگی است.

جدول ۳) متغیرهای روان‌شناختی مؤثر بر پذیرش تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

ردیف	گویه	میانگین رتبه‌ها
۱	اعتماد خاطر نسبت به سازمان جهاد کشاورزی	۱/۸۷
۲	وجود حس پشتوانگی از دولت	۱/۸۵
۳	کاهش مشغله‌های فکری کار کشاورزی	۱/۶۸
۴	آسودگی خاطر برای تأمین آتیه فرزندان	۱/۶۰
۵	صمیمیت و نزدیکی با اهالی روستا	۱/۵۵
۶	عقب‌نماندن از دیگران در پیوستن به شرکت	۱/۴۵
	میانگین عامل روان‌شناختی	۱/۷۰

بررسی میزان نقش و اثرگذاری عوامل فنی در پذیرش و ایجاد انگیزه برای تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد حاکی از آن است (جدول ۴). "امکان دسترسی به ابزار و تکنولوژی‌های نوین کشاورزی" در بین عوامل فنی، دارای بیشترین نقش و اثر در پذیرش این نظام بوده که در حقیقت مبین عدم دسترسی به موقع به ابزارآلات زراعی پیش از تشکیل شرکت است. در مراتب بعدی، عواملی فنی همچون "برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی از سوی جهاد کشاورزی به سبب ارتقابخشیدن به سطح آگاهی افراد از پیشرفت‌های روز و قابلیت‌های نظام سهامی زراعی"، "فراهم‌ساختن بستر مناسب برای استفاده از ابزارآلات جدید کشاورزی"، "آگاهی از نظام شرکت‌های سهامی زراعی به همراه تلاش به منظور جلوگیری از هدررفت آب"، "دسترسی به موقع و آسان به نهاده‌های کشاورزی، مانند کود و سم" و "استفاده بهینه از دانش مروجان بخش کشاورزی" در پذیرش شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد نقش داشته است.

جدول (۴) متغیرهای فنی مؤثر در پذیرش تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

ردیف	گویه	میانگین رتبه‌ها
۱	دسترسی بیشتر به ابزار جدید کشاورزی	۲/۰۶
۲	دوره‌های آموزشی و ترویجی	۱/۸۹
۳	استفاده بهینه از ابزارآلات جدید کشاورزی	۱/۸۵
۴	جلوگیری از هدررفت آب	۱/۷۸
۵	آگاهی از نظام شرکت‌های سهامی زراعی	۱/۷۸
۶	دسترسی به موقع و آسان به نهاده‌های کشاورزی (کود و سم)	۱/۷۴
۷	استفاده بهینه از دانش مروجان	۱/۷۴
میانگین عامل فنی		۱/۸۳

در پاسخ به این سؤال که در بین عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، روان‌شناختی و فنی، کدام‌یک اثر بیشتری بر تمایل روستاییان برای پذیرش شرکت سهامی زراعی و گذر از نظام خرده‌مالکی داشته است، تجزیه و تحلیل استنباطی به کمک دو آزمون ANOVA و Tukey نتیجه داد (جدول ۵) که "انگیزه اقتصادی" در پذیرش شرکت سهامی زراعی از سوی روستاییان دشت سهل آباد تأثیر بیشتری داشته است.

جدول (۵) نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه (ANOVA)

متغیر	میانگین	درجه آزادی (df)	مقدار آماره آزمون (F)	سطح معناداری (Sig)
اقتصادی	۴/۰۸	۳	۱۰/۲۸۷	۰/۰۰۰
اجتماعی- فرهنگی	۱/۵۸			
روان‌شناختی	۱/۷۰			
فنی	۱/۸۳			

دوم، دلایل زوال شیوه بهره‌برداری سهامی زراعی و تلاش جامعه روستایی برای بازگشت خرده‌مالکی

باوجود اینکه مطالعات نشان داده میزان مشارکت روستاییان در دشت سهل آباد برای تشکیل شرکت سهامی زراعی (فال سلیمان و حجی‌پور، ۱۳۹۰) در سطح بالایی بوده و عمدتاً نیز با اهداف

اقتصادی و جبران نقایص نظام بهره‌برداری خرده‌مالکی انجام شده است، در دو سال اخیر شاهد اوج‌گیری مخالفت‌های مردمی علیه ادامه فعالیت این شرکت سهامی بوده‌ایم؛ هنجارشکنی‌هایی نظیر اقدام به کشت انفرادی اراضی واگذارشده به شرکت با تصرف زوری از سوی سهامداران از سال ۱۳۹۴ و ایجاد پرونده قضایی در این خصوص علیه روستاییان، از جلوه‌های نمود نارضایتی و تعارض میان سهامداران با هیئت مدیره شرکت سهامی زراعی به منظور انحلال آن است. کنکاش دلایل مخالفت روستاییان سهامدار در شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد در ۱۵ مفهوم اولیه، ۴ مقوله عمده و یک تم اساسی تحت عنوان "عدم دریافت اثرات مثبت و ملموس طی یک دهه از سوی سهامداران در نتیجه گذار از نظام خرده‌مالکی به سهامی زراعی"، استخراج شده (جدول ۶) که سناریوی مقولات عمده و مفاهیم سازنده آن به شرح زیر بوده است:

الف. پایین‌بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت

شکل‌گیری جریان مخالفت با حیات شرکت سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد از جایی آغاز شده است که پس از واگذاری حق بهره‌برداری از آب و زمین زراعی به شرکت، تقریباً تمامی نیروی کاری که به وسیله خانوار در تولیدات زراعی به کار گرفته می‌شد، آزاد شد. با گذشت زمان، نیروی کار آزادشده از بخش زراعت در دشت سهل‌آباد که تعدادی به صورت مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم شاغل در این بخش بوده‌اند، مطابق با قول‌های از پیش داده‌شده توسط مسئولین و مروجین نظام سهامی زراعی، شغل نیافته‌اند و کماکان در محل، فرصت شغلی به دست نیاورده‌اند و به جز آنانی که به شهرها و سایر نقاط، مهاجرت شغلی داشته‌اند، بیکار هستند. بنا به اظهار برخی از اهالی، حتی گاه از به‌کارگیری افراد محلی در امور شرکت و فعالیت‌های عرصه‌ای، از سوی هیئت‌مدیره اجتناب شده است.

ایجاد شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد، در کنار تشدید چالش فرصت‌های شغلی، تفاوت معنادار و شایسته‌ای در دست‌یابی سهامداران (یا به‌عبارتی بهره‌برداران و مالکان اصلی آب و زمین) به منافع (سود) اقتصادی بیشتر ایجاد نکرده است و حتی به اذعان برخی، منافع آنان از زمان نظام خرده‌مالکی کمتر شده است؛ در این خصوص می‌توان گفت دلیل اول، فراوانی تولید محصولات کم‌بازده اقتصادی (نظیر گندم و جو) و عدم توفیق شرکت سهامی زراعی در برقراری ارتباط

سودآفرین با بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی بوده است؛ دلیل دیگر، این است که چون بیشتر مالکین آب و زمین‌های کشاورزی روستاهای دشت سهل آباد، غایب و ساکن شهرها هستند، در گذشته غیبت و نبود آنان منجر شده است تا سیستم برزگری و اجاره‌ای برای بهره‌برداری از منابع (آب و زمین زراعی) وجود داشته باشد و بدین واسطه، درآمد بهره‌برداران حاضر در روستاها که بیشتر آنان خرده‌مالک نیز بوده‌اند، بیشتر باشد؛ اما پس از تشکیل سهامی زراعی، هم منافع برزگری و اجاره‌کاری اینان از بین رفته است و هم بیشتر درآمدهای شرکت سهامی، به افرادی تعلق می‌گیرد که تعدادشان در مقایسه با سهامداران روستانشین، اندک است؛ به طوری که ۳۰٪ سهامداران، مالک ۹۰٪ سهام هستند و عمدتاً خارج از روستا و حتی ناحیه (شهرهای مشهد، بیرجند و زاهدان) سکونت دارند (حجی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

از دیگر مسایل و دغدغه‌های سهامداران، وجود و رشد بدهی شرکت با مبالغ زیاد بوده است که در مجموع می‌توان گفت: "پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت" یکی از محرک‌های بنیادین برانگیزاننده برای جریان مخالفت و تلاش برای انحلال شرکت سهامی زراعی دشت سهل آباد است.

ب. عملکرد غیراصولی هیئت مدیره شرکت

هیئت‌مدیره شرکت سهامی زراعی سهل آباد به‌عنوان گرداننده و بهره‌بردار اصلی منابع، طی دهه گذشته دارای عملکردی غیراصولی بوده است که این مسئله مردم محلی (سهامداران) را به نگرانی در خصوص سرمایه‌های تولیدی واگذارشده، واداشته و منجر به ایجاد "حس مال‌باختگی" در آنان شده است؛ چراکه، در سال‌های گذشته مسئله شفافیت مالی به‌خوبی تعقیب نشده و در موارد بسیاری نیز، هر گاه سهامداران خواهان ارائه گزارش و دریافت آگاهی از وضعیت صورت‌های مالی و مسائلی از این دست شده‌اند، پاسخ‌گویی جدی و قانع‌کننده وجود نداشته است. ضعف یادشده، مشکلی است که در نتیجه نابرخورداری از بازرسی فعال در جمع هیئت مدیره شرکت به وجود آمده و علی‌رغم انتقاداتی که از سوی سهامداران وجود داشته، برگزاری مجمع عمومی نیز که با تأخیر بسیار بوده، مزید بر علت شده و سلسله‌ای از عوامل تأثیرگذار در جهت غیراصولی جلوه نمودن عملکرد هیئت مدیره شرکت به وجود آورده است.

ج. تشدید عناصر برون فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و حیات اقتصادی

سهامداران

در کنار عوامل و شرایطی که به طور مستقیم مربوط به شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد بوده، فاکتورهای بیرونی نیز بر تشدید اوضاع نامطلوب و زمینه‌سازی برای مخالفت با شرکت نقش داشته‌اند که بنا به اظهار سهامداران، همزمانی دوره ایجاد شرکت سهامی زراعی با دوره رشد بی‌سابقه تورم در کشور که نیاز مالی افراد را چندبرابر سابق کرده، یکی از این عوامل است؛ همچنین شدت یافتن خشکسالی در منطقه و اقدام دولت به واردات برخی از محصولات که در شرکت نیز اقدام به تولید آن می‌شود، سبب شده است میزان ارزش‌آفرینی و تولید ثروت در شرکت سهامی زراعی سهل آباد تحت تأثیر قرار گیرد.

د. عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران

سهامداران معتقدند در ابتدای راه‌اندازی و ایجاد شرکت سهامی زراعی، نوعی خواست و جوش قوی در سطح سازمانی برای تحقق این امر وجود داشت که به مرور زمان، به بی‌توجهی نهادهای متولی حمایت و نظارت بر عملکرد شرکت سهامی زراعی دچار شده است که در نتیجه آن، هم مدیریت مستقیم شرکت (هیئت‌مدیره) دارای عملکرد قابل قبولی نبوده و هم تأمین سرمایه از سوی شرکت برای اجرای اهداف و پروژه‌های جنبی و تکمیلی‌ای که از ابتدا برای شرکت در نظر گرفته شده بود، پیاده‌سازی نشده است که به نوعی حاکی از مشکل شدید دسترسی به تسهیلات ارزان قیمت برای فعالیت شرکت سهامی زراعی است.

جدول ۶) مفاهیم، مقولات و تم اساسی مخالفت با شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

تم اساسی	مقولات عمده	مفاهیم اولیه
عدم دریافت اثرات مثبت و ملموس طی یک دهه از سوی سهامداران در نتیجه گذار از نظام خرده‌مالکی به سهامی زراعی	پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت	آزادشدن نیروی کار از فعالیت‌های زراعی و افزایش تعداد بیکاران روستا با ایجاد شرکت
		نابرابری میزان سهام افراد به نفع مالکین و سهامداران غایب در شهر
		کشت محصولات کم‌صرفه، نظیر گندم و جو در مقایسه با محصولات کشت‌داری مانند پسته و زیتون
		ایجاد و رشد بدهی شرکت سهامی با ارقام سنگین
		عدم استقبال مناسب از جذب تحصیل‌کردگان و کارشناسان بومی در امور هیئت‌مدیره
	عملکرد غیراصولی هیئت‌مدیره شرکت	ضعف شفافیت مالی برای سهامداران درخصوص عملکرد شرکت
		عدم پاسخگویی دست‌اندرکاران مستقیم شرکت به خواسته‌ها و دغدغه‌های سهامداران
		عدم برگزاری مجمع عمومی در موعد مقرر با تأخیر گاه دوساله
		نبود بازرسی فعال و مسئولیت‌پذیر در جمع اعضای هیئت‌مدیره شرکت سهامی
		ایجاد نگرانی درخصوص حق مالکیت سرمایه‌های تولیدی آنان (آب و زمین واگذار شده)
	تشدید عناصر برون-فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و حیات اقتصادی سهامداران	همزمانی رشد تورم در کشور با دهه اول عمر شرکت سهامی
		شدت یافتن خشکسالی در منطقه
		واردات محصولات کشاورزی
	عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران	مشکل دسترسی به تسهیلات ارزان‌قیمت برای فعالیت شرکت سهامی زراعی
		عدم توجه نهادهای فرادستی شرکت (اداره جهادکشاورزی و اداره تعاون) به شکوایه‌ها و درخواست‌های سهامداران

نتیجه‌گیری

در نتیجه این تحقیق مشخص شد که پیش از تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد؛ یعنی زمانی که بهره‌برداری از منابع (آب و زمین کشاورزی) در چهارچوب نظام خرده‌مالکی بوده، بهره‌برداران با مشکل بازدهی کم اقتصادی مواجه بوده‌اند و این اساسی‌ترین انگیزه برای پذیرش و گذر به نظام سهامی زراعی از سال ۱۳۸۴ در روستاهای مورد مطالعه، شده است؛ از این‌رو، روستاییان با مشارکت بسیار زیاد در تشکیل شرکت سهامی زراعی حضور یافته‌اند. گذشت بیش از یک دهه از عمر نظام بهره‌برداری تجاری سهامی زراعی، فضای اجتماعی دشت سهل‌آباد را به سمتی سوق داده است که بیشتر سهامداران از وضع موجود نارضایتی دارند و مخالف جدی شرکت هستند. بررسی و تحلیل دلایل بروز مخالفت با شرکت سهامی زراعی حاکی از وجود چهار دلیل است: پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت، عملکرد غیراصولی هیئت‌مدیره شرکت، تشدید عناصر برون‌فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و حیات اقتصادی سهامداران و عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران.

در حقیقت، عملکرد غیراصولی و ضعیف هیئت‌مدیره شرکت، هم در "حوزه فنی" (نبود تلاش و توفیق برای تولید محصولات اقتصادی و اقتصادی‌ترکردن بازدهی منابع به نفع سهامداران) و هم در "حوزه بروکراسی و اداری" (عدم توفیق در راضی‌نگه‌داشتن سهامداران و ارائه پاسخ‌های روشن و اطمینان‌بخش در قبال نگرانی‌های مردمی) سبب شده است تا مسئله پایین‌بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت سهامی زراعی، روزبه‌روز نزد سهامداران برجسته‌تر شود؛ از سوی دیگر، عوامل منطقه‌ای و ملی؛ نظیر رشد تورم در کنار عدم پشتیبانی پیوسته و قابل‌قبول دستگاه‌های متولی، باعث تشدید ناکارآمد جلوه کردن شرکت و نظام سهامی زراعی در نزد سهامداران شده است؛ بدین‌سان، می‌توان گفت عدم دریافت اثرات مثبت و ملموس طی حدود دو دهه از عمر این شرکت از جانب سهامداران در نتیجه گذار از نظام خرده‌مالکی به سهامی زراعی، منجر شده است آنان تصمیم به تعارض و مخالفت عملی با وجود شرکت سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد داشته باشند. در کل می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت پروژه‌های توسعه در فضاهای روستایی، وابسته به رضایت مستمر ذی‌نفعان، بویژه روستاییان در طول مدت برنامه‌ریزی و اجراست.

منابع

- آمار، تیمور؛ رضایی، پرویز (۱۳۸۶). "بررسی عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد شهرستان رودبار در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰". پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۹، ش ۶۱ (پاییز): ۱۰۱-۱۱۳.
- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی، علی (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستایی. تهران: اطلاعات.
- امامی خوبی، محمدتقی؛ ضیایی، نرگس (۱۳۸۷). "اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران". مسکویه، دوره ۲، ش ۴ (تابستان): ۵۹-۸۶.
- بازرگان هرنندی، عباس (۱۳۸۶). "روش‌های تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای کندوکاو در مسائل نظام آموزشی و حل آنها". روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۳۷، ش ۳ (تابستان): ۱۰۱-۱۱۹.
- بخشی، محمدرضا، و دیگران (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر رضایت سهامداران از عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی". راهبردهای توسعه روستایی، دوره ۳، ش ۱ (بهار): ۱۲۷-۱۳۹.
- تقدیسی، احمد؛ بسحاق، محمدرضا (۱۳۸۹). "چالش‌های کشاورزی و تأثیر آن بر جمعیت روستایی با تأکید بر تغییرات سطح زیر کشت". پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، ش ۲ (تابستان): ۱۶۱-۱۳۷.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم. مترجم غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، معاونت برنامه‌ریزی و ارزشیابی، مرکز مدارک فنی و کتابخانه مرکزی.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
- حجتی‌پور، محمد (۱۳۹۰). "بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی (مطالعه موردی: شرکت سهامی زراعی سهل آباد در شهرستان بیرجند)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- حجتی‌پور، محمد؛ فال‌سلیمان، محمود (۱۳۹۳). "واکاوی عوامل اثرگذار بر دگرش نظام‌های بهره‌برداری زراعی (موردشناسی: روستاهای شرکت سهامی زراعی سهل آباد نهبندان)". جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، دوره ۴، ش ۱۰ (بهار): ۳۹-۵۴.

- داوری ترشیزی، محدثه؛ قربانی، محمد؛ دانشور کاخکی، محمود (۱۴۰۰). "بررسی تأثیر نظریه‌های مکان‌یابی، سرمایه اجتماعی و انسانی بر تداوم فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی (مطالعه موردی: شرکت سهامی زراعی خضری قائنات)". *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، دوره ۳۵، ش ۱ (بهار): ۱۵-۳۰.
- دشتی، طلیعه (۱۳۴۹). "شرکت سهامی زراعی در ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- رضازاده، زهره (۱۳۹۳). "بررسی اثرات امنیتی-اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی بر سکونتگاه‌های روستایی نواحی مرزی (مطالعه موردی: شرکت سهامی زراعی ایثارگران دشت خوشاب سربیشه)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، و دیگران (۱۳۸۸). "نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی". *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۱، ش ۶۹ (پاییز): ۸۸-۱۰۳.
- زنگنه، مرتضی (۱۳۹۲). "خرده‌مالکی و پراکندگی اراضی؛ بزرگ‌ترین مانع پیشرفت و توسعه کشاورزی ایران در دهه پیشرفت و عدالت". در: کنفرانس سومین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت. تهران: ۲-۱۰.
- ساریخانی، ناهید (۱۳۸۴). "شرکت‌های سهامی زراعی در راه احیاء". *ماهنامه جهاد*، دوره ۲۵، ش ۲۶۹ (پاییز): ۴۳-۵۰.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۴). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: سمت.
- سیدجوادین، سید رضا (۱۳۸۶). *مبانی سازمان و مدیریت*. تهران: نگاه دانش.
- شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد (۱۳۹۰). گزارش آمار و اطلاعات کارشناسان شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد. نهبندان: شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد [چاپ نشده].
- صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران (۱۳۷۲). *شرکت‌های سهامی زراعی*، ج ۳. تهران: وزارت کشاورزی، معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت و صنعت.

- عبداللهی، محمد (۱۳۷۷). نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران: توصیف و تبیین وضعیت گذشته و حال و دورنمای آنها در آینده. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت امور نظام بهره‌برداری.
- فاضلی، سیدحسین (۱۳۹۹). "بررسی جامعه‌شناختی اثرات تشکیل و انحلال شرکت‌های سهامی زراعی بر توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: رودپیش فومن)". رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- فال سلیمان، محمود؛ حجتی‌پور، محمد (۱۳۹۰). "تحلیل نقش جامعه روستایی در شرکت‌های سهامی زراعی جدید با بهره‌گیری از شاخص‌های مشارکتی RPPI و FSPI". مدرس علوم انسانی، دوره ۱۵، ش ۴ (زمستان): ۱۲۹-۱۴۸.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (استان خراسان جنوبی: شهرستان نهبندان) (۱۳۸۸). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- گنجی، محمدرضا (۱۳۸۲). "مشارکت؛ مهم‌ترین استراتژی توسعه شهری و روستایی با تأکید بر اشتغال و امنیت اجتماعی". تعاون و کشاورزی، دوره جدید، ش ۱۳۹ (بهار): ۶۲-۶۷.
- لی‌ون، هوا (۱۳۸۱). "چشم‌اندازهای نظام بهره‌برداری کشاورزی بوم‌شناسی در چین". ترجمه غلامحسین صالح‌نسب. ماهنامه جهاد، دوره ۲۲، ش ۲۴۸-۲۴۹ (بهار): ۵۸-۶۱.
- مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۰). "معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته". راهبرد، دوره ۲۰، ش ۶۰ (پاییز): ۲۱۷-۲۳۴.
- مجیدی، ناهید، و دیگران (۱۳۹۴). "آب، آبیاری و بهره‌وری: طراحی شبکه آبیاری تحت فشار برای اراضی خرده‌مالکی (مطالعه موردی: اراضی چاه گل‌افشان شهرستان درمیان استان خراسان جنوبی)". در: کنفرانس اولین کنگره ملی آبیاری و زهکشی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. تهران: ۲-۱۰.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی - ضد روش، ج ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
- مرام، فاطمه؛ زرافشانی، کیومرث؛ میرک‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۴). "بررسی نگرش کشاورزان نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی (مطالعه موردی: دهستان میان‌دریوند شهرستان کرمانشاه)". روستا و توسعه، دوره ۱۸، ش ۳ (پاییز): ۶۵-۸۳.

- مهندسین مشاور ویسان (۱۳۸۶). *مطالعات مرحله اول شرکت سهامی زراعی سهل آباد، ج ۱: مطالعات محیطی و پایه*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.
- ناصری، مهدی، و دیگران (۱۳۹۴). "نقش شرکت‌های سهامی زراعی در بهبود شاخص‌های توانمندسازی کشاورزان عضو". *روستا و توسعه*، دوره ۱۸، ش ۲ (تابستان): ۳۹-۶۳.
- نکویی نائینی، سیدعلی؛ قنبری، یوسف؛ برقی، حمید (۱۳۹۵). "سنجش پایداری نظام‌های بهره‌برداری موجود در بخش کشاورزی استان اصفهان: خرده دهقانی، تعاونی تولید روستایی و شرکت سهامی زراعی". *جغرافیا و پایداری محیط*، دوره ۶، ش ۲۰ (پاییز): ۳۹-۵۳.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۵۰). *شرکت سهامی زراعی سمسکنده*. تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- وثوقی، منصور؛ فرجی، افراسیاب (۱۳۸۵). "پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۲ (تابستان): ۱۰۱-۱۱۸.
- هجرتی، محمدحسن؛ افشاری، مهرانوش (۱۳۸۹). "نقش مالکیت‌های ارضی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان پایین‌رخ تربت‌حیدریه)". *جغرافیای انسانی*، دوره ۳، ش ۱ (زمستان): ۱۲۳-۱۳۶.
- یاسوری، مجید (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی*. مشهد: آستان قدس رضوی، به‌نشر.
- یزدانی، مهدی (۱۳۹۹). "موردکاوی تطبیقی مدیریت زنجیره عرضه کارآفرینانه بین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی در استان خراسان شمالی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی (ترویج و آموزش کشاورزی)، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- یزدانی مروی لنگری، خدیجه (۱۳۹۸). "بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با تأکید بر عملکرد شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد تربت‌جام". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- Anríquez, G.; Staumolis, K. (2007). "Rural development and poverty reduction: Is agriculture still the key?". *Journal of Agricultural and Development Economics*, Vol. 4, No. 1: 5-46.
- Atfield, R.; Wilkins, B. (1992). *International Justice and the Third World*. London: Rutledge.
- Denman, D. R. (1973). *Kings Vista: Land Reforms in Iran*. London: Geographical Publications.
- Elands. B. H. M.; Wiersum, K. F. (2001). "Forestry and rural development in Europe: An exploration of socio-political discourses". *Forest Policy and Economics*, Vol. 3, No. 2: 5-16.
- Hart, M. (1999). *Guide to sustainable community indicators*. North Andaver: Hart Environmental Data.
- Lehmann, A. D. (1979). *Development Theory: Four Critical Studies*. London: Frank Cass.
- Mcnicoll, G.; Cain, M. (1990). *Rural Development and Population*. Oxford: Oxford University Press.
- Northouse, Peter G. (2001). *Leadership: Theory and Practice*. London: SAGE Publications.
- Schatzow, S. (1977). *The Influence of Publican Federal Environment, Decision Making in Canada in Public Participation in Planning*. New York: John Wiley and Son press.
- UNFPA (2002). *Indicators for Population and Reproductive Health Programmes*. New York: United Nations, Technical and Policy Division.

